

موش کتابفانه- ۵

# فانه جريد

نويسنده و تصوير گر:

دنيل كرك

ترجمه محبوبه نجف خاني



نشر آفرينگان: ۲۳۴



این کتاب ترجمه‌ای است از:

*Library Mouse*  
*Home Sweet Home*  
Daniel Kirk  
Abrams Books, 2013



## نشر آفرینگان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید،  
کوچه مبین، شماره ۴، تلفن ۶۷ ۳۶ ۴۱ ۶۶

\*\*\*

آماده‌سازی، امور فنی و توزیع:

انتشارات ققنوس

\*\*\*

سرشناسه: کرک، دانیل

Kirk, Daniel

عنوان و نام پدیدآور: خانه جدید/نویسنده و تصویرگر دانیل کرک؛ ترجمهٔ محبوبه

نویسنده و تصویرگر: دانیل کرک

موش کتابخانه - ۵

خانهٔ جدید

ترجمهٔ محبوبه نجف‌خانی

مشخصات نشر: تهران: آفرینگان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۸ ص: مصور (رنگی).

فروست: موش کتابخانه: ۵. نشر آفرینگان: ۲۳۴.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۳۹۱۰۳۷۹

چاپ اول

۱۳۹۶

۱۶۵۰ نسخه

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Library mouse: home sweet home, c2013

یادداشت: گروه سنی: ب، ج.

موضوع: داستان‌های تخیلی

موضوع: Fantastic Fiction

شناسه افزودن: نجف‌خانی، محبوبه، ۱۳۳۵ - مترجم

رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۶ خ ۴۵۵ ک ۱۳۰ د۱۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۶۴۰۵۵۴

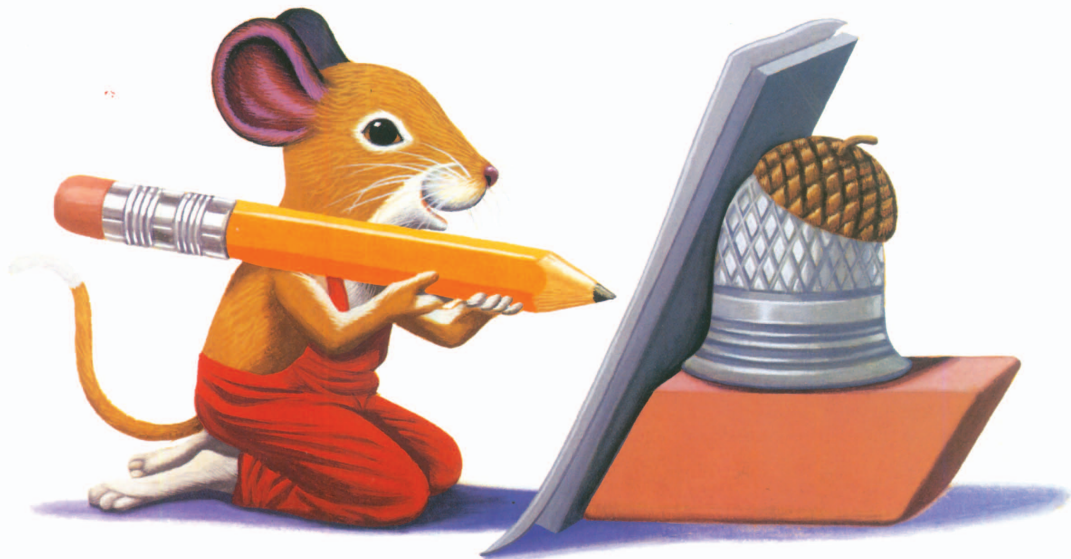
چاپخانه نقشبیران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۱-۰۳۷-۹

ISBN: 978-600-391-037-9

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

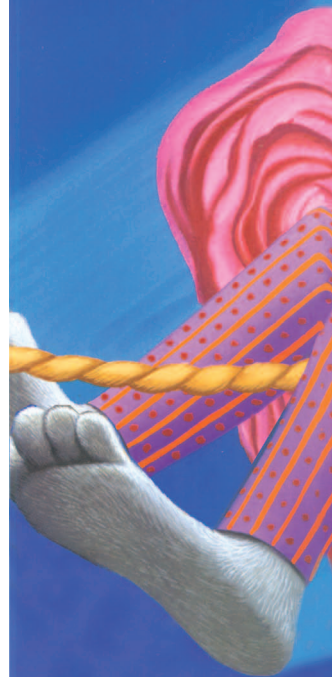
۶۰۰۰ تومان



سام موش کتابخانه بود. اگر از او می پرسیدند چه کاری را بیشتر از همه دوست دارد، بی برو برگرد می گفت: «خواندن و نوشتن.» سام قصه گو بود، خیالپرداز و عاشق کلمه ها.



ولی اگر از دوستِ سام، یعنی سارا،  
می‌پرسیدند چه کاری را بیشتر از همه  
دوست دارد، حتماً می‌گفت: «کشف  
کردن و ماجراجویی.» با این‌که سام و  
سارا به چیزهای مختلفی علاقه داشتند،  
اما با هم دوست‌های صمیمی بودند.





یک شب، سام و سارا با تعجب دیدند که بعضی از قفسه‌های کتابخانه خالی است و چند تا کارتن پُر کتاب روی زمین است. سام دلشوره گرفت. قلبش تندتند می‌زد. بدو از میز کتابدار بالا رفت. روی میز، چشمش به چند ورق کاغذ افتاد. نوشته روی یکی از کاغذها را خواند و با ناراحتی گفت: «بازسازی.»

سارا پرسید: «بازسازی یعنی چی؟»





سام اخم کرد و سراغ لغتنامه رفت و معنی آن کلمه را پیدا کرد و با صدای بلند خواند: «بازسازی، یعنی جایی را نو کردن. پس آن‌ها می‌خواهند کتابخانه را تعمیر کنند. اما به نظر من، کتابخانه الآن هم خیلی عالی است! اگر نقشه‌هایی که دیدم درست باشد، آن‌ها باید همهٔ وسایل را از این‌جا ببرند تا بتوانند کتابخانه را بازسازی کنند. وقتی دارند این‌جا را تعمیر می‌کنند، ما کجا زندگی کنیم؟»

سارا گفت: «من و تو باید حسابی بگردیم و برای خودمان یک خانهٔ جدید

پیدا کنیم.»







سارا سام را به آشپزخانه کتابخانه برد. بعد، رفت توی کابینت زیر ظرفشویی. سام هم پشت سرش رفت. آن جا خیلی تاریک بود. سارا گفت: «توی این کابینت چند تا موش جا می شود.»  
اما صدای جریان آب توی لوله ها خیلی بلند بود و سام را کلافه می کرد.



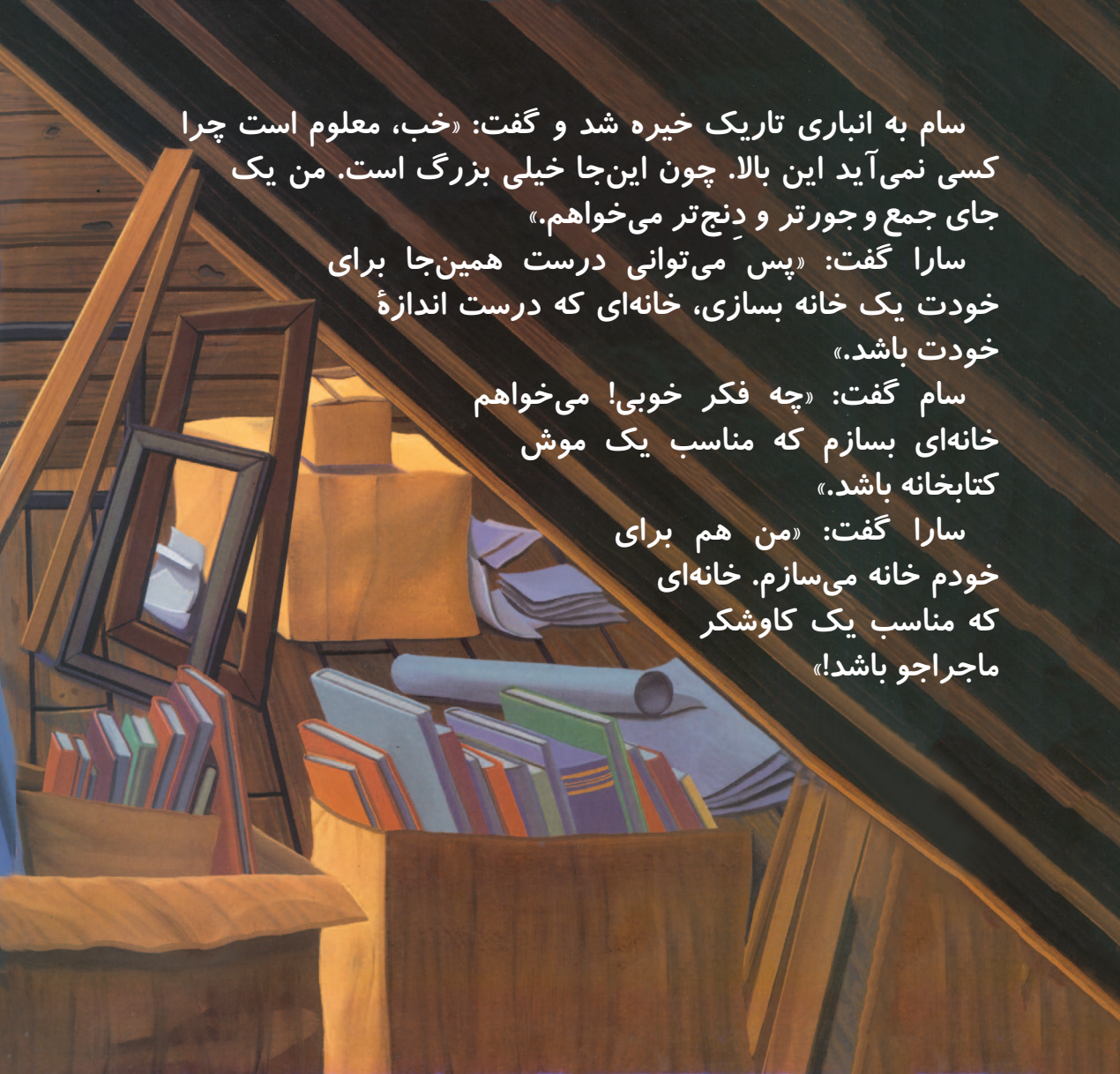
بعد، سام و سارا رفتند توی زیرزمین. سام گوشهٔ زیرزمین چشمش به یک تله موش قدیمی و خاک گرفته افتاد و از ترس لرزید و گفت: «باید خیلی مواظب باشیم!»



آن‌ها از راه‌پلهٔ چوبی که زیر پایشان  
جیرجیر می‌کرد، به انباری زیرشیروانی  
رفتند. سارا گفت: «به نظرت، این‌جا  
چطور است؟ هیچ‌وقت  
کسی نمی‌آید این  
بالا!»





A wooden attic with a slanted roof. In the foreground, there are several boxes and baskets filled with books of various colors (red, blue, green, purple). A window frame is leaning against the wall on the left. In the background, there are stacks of papers and more books. The lighting is warm and golden, suggesting a late afternoon or early morning.

سام به انباری تاریک خیره شد و گفت: «خب، معلوم است چرا کسی نمی‌آید این بالا. چون این‌جا خیلی بزرگ است. من یک جای جمع و جورتر و دنج‌تر می‌خواهم.»

سارا گفت: «پس می‌توانی درست همین‌جا برای خودت یک خانه بسازی، خانه‌ای که درست اندازه خودت باشد.»

سام گفت: «چه فکر خوبی! می‌خواهم خانه‌ای بسازم که مناسب یک موش کتابخانه باشد.»

سارا گفت: «من هم برای خودم خانه می‌سازم. خانه‌ای که مناسب یک کاوشگر ماجراجو باشد!»







اول از همه، سام و سارا تمام وسایلشان را جمع کردند و به انباری زیرشیروانی بردند.

سام گفت: «خدا کند کتاب‌های معماری را از توی کتابخانه جمع نکرده باشند.»

سارا پرسید: «معماری؟ معماری یعنی چی؟»  
سام جواب داد: «معماری، هنر طراحی ساختمان است. به کسی هم که نقشه ساختمان را می‌کشد، می‌گویند مهندس معمار. زود باش برویم. باید یک عالمه تحقیق کنیم!»

